

جایگاه الهه مادر در فرهنگ مردم کردستان

دیانا رستمی نژادان^۱، منصور منصوری مقدم^{۲*}

چکیده

حوزه فرهنگی کردستان سرزمین نخستین آیین‌ها و نظام‌های انتزاعی است که در نخستین طلوع‌های خود با ویژگی زنانه و ارج مقام الهه مادر پیوند خورده است. جایگاه زن در کردستان دو وجه متناقض دارد؛ در ادبیات و نظام اجتماعی کنونی تا حدی شاهد نظام و ایدئولوژی مردسالار هستیم، اما زمانی که ریشه‌های آیینی و مذهبی فرهنگ کرد را مطالعه می‌کنیم، با شواهد مربوط به نظام مادرسالاری و تقدس الهگان و به تبع آن جایگاه معنوی و مقتدر زن مواجه می‌شویم. از ویژگی‌های انواع آثار مادی و غیرمادی الهه مادر آن است که به شدت وجه نمادین و انتزاعی دارد. این نمادها وجه ترکیبی دارند و در طول اعصار متحول شده‌اند و امروز نیز بن‌مایه‌های اصلی ادبیات غنی و هنرهای سنتی کردها را به خود اختصاص داده‌اند.

کلیدواژگان

آناهیتا، آیین‌ها، الهه مادر، ایشتار، خانواده، کشاورزی، مار، هنر.

۱. دانشجوی دکتری مردم‌شناسی دانشگاه تهران Darostam@ut.ac.ir
۲. دانشجوی دکتری مردم‌شناسی دانشگاه تهران m.moughadam@gmail.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۴/۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۲۸

مقدمه و طرح مسئله

پرستش الهه مادر یکی از اعتقادات ریشه دار مذهبی در طول حیات بشری است که قدیمی تر از ظهور خدایان متعدد و قبل از تجسم خدایی در مظاهر مذکر و پدرخدایی بوده و در نخستین مراحل تمدن بشری، یعنی دوران کهن سنگی، گسترش یافته است. به نظر می‌رسد که سنت پرستش این الهه در ابتدا مستقل و بدون وابستگی به زوج دیگر و پدر - خدا مرسوم بوده است و فقط در دوران نوسنگی است که شواهدی از ظهور خدای جوان به عنوان همسر و در عین فرزند الهه مادر وجود دارد. با ظهور زراعت و اشتغال به گله‌داری، نقش الهه مادر به منزله تجسم مظاهر بارآوری و توالد مشخص تر شده و نه تنها در قلمرو طبیعت و زندگی طبیعی، بلکه در حیطة مسائل زندگی انسان چون تولد، زندگی، مرگ و نیز زندگی پس از مرگ به منزله حمایت کننده و برآورنده نیازهای انسان پرستش شده است [۹، ص ۱۱۱-۱۱۲]. از آغاز عصر نوسنگی است که تصویر زنان در قالب‌های مختلف، به خصوص اشیای منقول (مجسمه‌ها)، به سرعت در سرتاسر خاورمیانه رواج پیدا می‌کنند؛ تا جایی که در حدود هزاره هفتم پ.م. در ترکیه در محل باستانی چتل هیوک^۱ تصویر زن و گاو و در غرب ایران تصویر زن در اکثریت مطلق قرار می‌گیرد. این تصاویر حتی در معماری نیز جایگاهی ویژه را به خود اختصاص می‌دهند. تصاویر به صورت نقاشی یا نقش برجسته در کنار مجسمه‌هایی از این دست مجموعه‌ها را کامل تر کرده‌اند [۱۷، ص ۱۸۴]. ژاک کوون معتقد است که این نقش‌مایه‌ها در عصر نوسنگی غرب آسیا دیگر به شخصیتی کاملاً اسطوره‌ای تبدیل شده و در قالب یک خدا که همه چیز تحت فرمان اوست عمل می‌کنند؛ یک «زن خدای» و یک انسان مذکر که به صورت یک گاو درآمده و جفت او را تشکیل می‌دهد. داده‌های جدید در خاورمیانه حکایت از آن دارد که نظام مبتنی بر دوگانگی از حدود ۹۵۰۰ پ.م. به وجود آمده است و بین شکارچیان و گردآورندگان خوراک متعلق به «فرهنگ خیامی»^۲ وجود چنین نظامی را به وضوح می‌توان مشاهده کرد [۱۷، ص ۵۲].

برخلاف باور معمول، زن در جوامع سنتی جایگاهی معنوی و ویژه دارد که مردان نمی‌توانند چنین مرتبه و جایگاهی داشته باشند. در دوران باستان، تا هزاران سال قدرت معنوی در دست زنان است و فرهنگ و آیینی که وابسته به زن و الهه مادر است جامعه و مسائل اجتماعی را هدایت می‌کند. به تدریج که جامعه و ساختارهای اجتماعی در مقابل ساختارهای فرهنگی قرار می‌گیرد و آن را به سلطه خود درمی‌آورد، زن به حاشیه رانده می‌شود [۳۱، ص ۱۶۷-۱۷۷] و در جامعه، فرهنگ و الگوهای مردسالار رشد می‌کند و حتی در آیین‌ها و مکتب‌های متأخرتر شاهد نگاه و ایدئولوژی ضدزن و مردسالارانه هستیم.

1. Çatalhöyük
2. khiamian culture

اعتبار معنوی و جایگاه آیینی زنان در کردستان جنبه‌های گوناگونی دارد. از دیرباز، الهه مادر و تقدس آن، که نمادی از احترام و اهمیت زنان است، در بطن فرهنگ و جهان‌بینی کردها قرار داشته است. یکی از مراکز عمده آغاز تحولات نوسنگی سرزمین کردستان است که در حقیقت بخش زیادی از محدوده زاگرس و بین‌النهرین شمالی را دربرمی‌گیرد و محققان و باستان‌شناسان با بررسی آثار مختلف در این منطقه بسیاری از رمزهای اهلی کردن حیوانات و آغاز و گسترش یکجانشینی را به دست آورده‌اند. آثار نخستین معابد و نیایشگاه‌ها در این منطقه به‌ویژه در منطقه ایلام، اربیل^۱ و کرمانشاه قرار دارد که ایشتر، که یکی از القاب او بانوی اربیل بود، و ناهید در این مراکز به‌طور خاص پرستش می‌شدند. جایگاه مهم و نمادین الهه مادر تا به امروز در هنرهای اصیل این منطقه همچنان نقشی ویژه دارد. بررسی و مطالعه نمادپردازی الهه مادر-مار، ما را با لایه‌های عمیق و زیرین فرهنگی و شناختی که هزاران سال بستر پدیده‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی هستند آشنا می‌کند. همچنان که ارنست کاسیرر^۲ و لویی برول^۳ به‌خوبی نشان داده‌اند، اندیشه انسان گذشته دارای بنیاد اسطوره‌ای و اندیشه‌ای کلی‌گراست. بنابراین، مطالعه هر پدیده فرهنگی ناگزیر از پرداختن به پایه‌ها و محورهای اولیه و اصلی آن است که همان اندیشه اسطوره‌ای و جهان‌بینی مردمان آن فرهنگ است. هدف ما در این پژوهش نشان‌دادن چهره واقعی زن در میان نظام پیچیده فرهنگ کرد است که معمولاً در لایه‌هایی از انحراف و دگورگونی پوشیده مانده است.

در حالی که بسیاری بر آن‌اند که در جوامع سنتی، همچون کردستان، زن جایگاه نازل‌تری نسبت به مردان دارد، در بسیاری از مناطق کردستان، که هنوز ساختارهای ایلی و سنتی دارند، سنت‌ها و آیین‌هایی در زمینه تقدس الهه مادر باقی مانده است. در کردستان، خانواده نقشی مهم در زندگی اجتماعی و اقتصادی مردم دارد. چگونه است سرزمینی که مهر نیایش الهه‌ها و آیین‌های سترگ باروری و تقدس زنانگی را بر پیشانی دارد، امروز در سیر معکوسی قرار می‌گیرد؟ و آیا می‌توان با اطمینان از وجود چنین فرایندی سخن گفت؟

تقابل زن و مرد از یک‌سو و تقابل جامعه و فرهنگ از سوی دیگر از محورهای اصلی پرداختن به جایگاه زن در جامعه و فرهنگ‌اند و پاسخ به این مسئله در گرو تفکیک این دو وجه (متناقض) است. بسیاری از صاحب‌نظران جامعه را در مقابل فرهنگ قرار داده‌اند. از این منظر، جامعه معادل دنیای مردانه و قدرت دنیوی و زن معادل فرهنگ و قدرت معنوی قلمداد شده است. با رشد و گسترش ساختارهای اجتماعی و قدرت سیاسی در جامعه امروزی جایگاه زنان تا حد زیادی تضعیف شده است؛ همچنان که پیش از این در تاریخ و دوره‌های باستان شاهد کنار رفتن قدرت زنانه و گسترش خدایان مذکر هستیم. بنابراین، برای مطالعه جایگاه واقعی زن

1. Erbil
2. Ernst Cassirer
3. Lucien Lévy-Bruhl

ضروری است که این لایه‌ها را از یکدیگر تفکیک کنیم. به نظر می‌رسد خلأ عمده پژوهش‌هایی که تاکنون در زمینه اهمیت الهه مادر در فرهنگ‌های کهن انجام شده است عدم پرداختن به این ملاحظات و دگرگونی‌ها و چندمعنایی بودن الهه مادر است. زمانی که با چنین رویکردهایی به مطالعه الهه مادر پرداخته شود، این نمادپردازی همچون موضوعی منسوخ و انتزاعی و مربوط به دوران کهن جلوه می‌کند که رابطه آن با زندگی و خانواده و جایگاه زن مسدود می‌شود. در این پژوهش، در پی پیوند دادن نقش الهه مادر با جایگاه زن و خانواده در جامعه مطالعه شده هستیم که در نوع خود پژوهشی جدید است. بدین ترتیب، انواع تناقض‌هایی که در این زمینه وجود دارد رنگ می‌بازد و می‌توانیم سیمای واقعی جایگاه زن و زنانگی و رابطه آن با تحولات فرهنگی و اجتماعی را نشان دهیم.

روش‌شناسی پژوهش

مواد اولیه همه پدیده‌های فرهنگی را بی‌تردید باید در گذشته و فرهنگ غیرمادی جست‌وجو کرد که تعیین‌کننده سایر پدیده‌ها و تغییرات اجتماعی و تاریخی است. رویکرد قوم‌باستان‌شناسی^۱ با مطالعه و مشاهده جوامع زنده امروزی و چگونگی شکل‌گیری داده‌های مادی آن‌ها، به توضیح داده‌های صامت حاصل از کاوش‌های باستان‌شناختی می‌پردازد. درواقع، تمثیل‌های این دانش راهی برای مشاهده فرایندهایی است که در بافت‌های باستانی قابل مشاهده نیستند. مردم‌شناسان به‌درستی می‌دانند که بسیاری از جوامع سنتی امروزی الگویی مشابه جوامع نخستین دارند. از ویژگی‌های مهم این جوامع انباشت اساطیر، فلسفه‌ها و انواع روایات و ادبیات غیرمکتوب است که در حیات مردم نقش ایفا می‌کند و کارکرد دارد. بنابراین، پژوهش‌گر مردم‌شناس بیش از هرچیز نیازمند کنار گذاشتن تصورات مبتنی بر منطقی-غیرمنطقی، مکتوب- غیرمکتوب، فولکلور- فرهنگ، خرافی- حقیقی و تقابلی‌هایی از این قبیل است؛ تا بتواند به‌کنه پدیده فرهنگی مورد مطالعه نائل آید. مواد اصلی پژوهش ما نیز در این مطالعه ذخایر غنی اساطیر، آیین‌ها و اعتقادات کهن مردم گرد است که به صورت روایی جریان دارد. شمول و زیرساختی‌بودن این نوع پدیده‌های فرهنگی تغییرات و تنوعات آن و در نتیجه میزان خطا و تردید را در سطح تاریخی و جغرافیایی به حداقل می‌رساند و از شاخص‌های فرهنگی مهم به‌شمار می‌رود. بنابراین، هر معمای پژوهشی درواقع کامل کردن پازلی است که تکه‌های آن گاهی از تاریخ، گاهی از داده‌های باستان‌شناختی، هنرها، اسطوره‌ها، ضرب‌المثل‌ها، آوازا و اشعار و زمینه‌های دیگر است.

پیشینه موضوع

یکی از ویژگی‌های مشترک بسیاری از آثار به‌دست‌آمده از نخستین فرهنگ‌ها، تندیس‌های الهه‌های مادر است. وجود این آثار در این جوامع از یک‌سو نشان و بازتابی از موقعیت اجتماعی و خاص زن در آن‌هاست و از سوی دیگر بر تلقی انسان‌ها از جایگاه کیهانی نیروی مؤنث در نظام هستی دلالت دارد. زن که خود سرمنشأ باروری و زایش و فرزندآوری است، در نظام کشاورزی جدید، همراه با نیروی کار انسانی‌اش به نماد سرمنشأ و چشمه زایش و باروری زمین تبدیل شد و این امر که زن هم خود زاینده است و هم سبب باروری و زاینده‌گی زمین، در تفکرات مردم این عصر ریشه دوانید.

کوون معتقد است که تصویر زن در چتل هیوک (ترکیه) تصویر الهه‌ای است که به صورت نقش برجسته‌ای شماتیک و یادمان‌مانند و از همه مهم‌تر روی دیوار یک پرستشگاه، و درحالی‌که دست‌ها و پاهایش از یکدیگر باز شده‌اند، در حال زایش یک گاو نشان داده شده است. از طرف دیگر، در دوره بعد از پیدایش سفال، فرهنگی در خاورمیانه شناسایی شده است که به فرهنگ «حلف»^۱ معروف است. در اواخر هزاره هفتم، در این فرهنگ روی بدنه ظروف سفالی تصاویر نیم‌رخ زنانه جزء نقوش اصلی ظروف سفالین به‌شمار می‌روند. این نقش‌مایه روی بسیاری از ظروف مربوط به این فرهنگ تکرار شده و دیده می‌شود. همچنین، در محل باستانی ارپاچیه^۲ (عراق) درست مثل چتل‌هیوک مضمون الهه مادر و صحنه شکار در یک صحنه دیده شده است [۱۷، ص ۵۱].

زن بر پایه مدارک و شواهد موجود، در ادوار دیرینه صاحب قدرت بوده و توانایی او در عرصه وسیع اندیشه، عواطف، دین و سیاست اثر گذاشته است. نمودهای قدرت زنانه گاهی در صورت‌های عینی و ملموس، مانند پیکره‌های زنانه و نقش‌ها و تصاویر باقی‌مانده بر ظروف و الواح و کتیبه‌ها، که از حفاری‌های باستان‌شناختی به‌دست آمده است، مشهود است. گاهی هم مظاهر این امر در آثار غیرمادی چون باورها و اعتقادات، اساطیر و... نهفته است [۹، ص ۹۸]. در دوره نوسنگی، منظومه‌ای وسیع از نمادها شکل می‌گیرد که نماد الهه مادر در مرکز آن قرار دارد. به نظر ژاک کوون، که نمادهای این دوره را به‌طور گسترده مطالعه کرده است، این نمادپردازی مبنای تحولات انقلاب نوسنگی به‌شمار می‌رود.

در حدود ۹۵۰۰ سال پیش از میلاد، که هنوز آغاز تغییرات مهم است، دو تصویر زن و گاو تصاویر مهم و نمادین هستند. این دو نماد در سراسر دورل نوسنگی در خاورمیانه نقشی مهم دارند [۴۱، ص ۲۹].

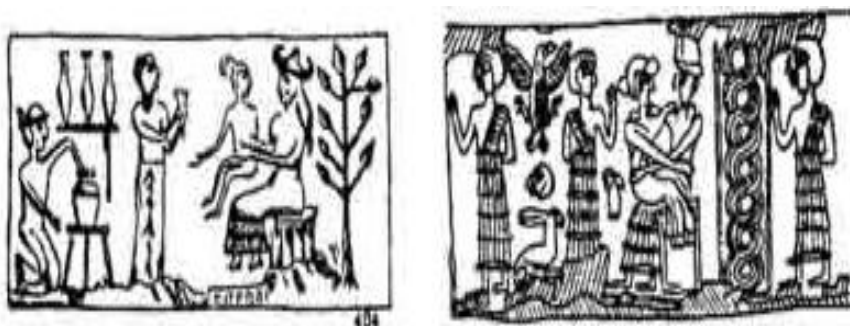
1. Halaf
2. Tell Arpachiyah

نمادپردازی الهه مادر هرچند در ظاهر بیشتر بر ویژگی‌های جنسیتی تأکید دارد، مفهوم وسیع‌تری از باروری و تولید و حاصل‌خیزی را دربردارد که به‌ویژه با مفهوم کشاورزی و اهلی کردن نخستین دانه‌ها و نیز دامداری پیوند خورده است. در این دوره، آب اهمیت بیشتری دارد؛ چون کشت و زرع نیازمند آبیاری محصولات است. بنابراین، ایزدبانو بخشنده و دارنده آب‌ها، این عنصر حیات‌بخش، شد و جام یا ظرف حاوی آب یا شیر نماد اصلی ایزدبانوست. بنابراین، الهه مادر الهه گندم و ذرت و محافظ کشت و زرع بود که نخستین محصول وقف او می‌شد؛ مثلاً، در معبد اینانا^۱ نان مخصوصی می‌پختند و نذر الهه می‌کردند [۳۱، ص ۷۵]. با توجه به این جایگاه الهه مادر است که پیوسته با نماد درخت یا گیاه زندگی ترکیب می‌شود. در این مورد، به‌ویژه الهه مادر، به صورت «الهه مار» ظاهر می‌شود؛ یکی از مثال‌های بارز در این زمینه اسطوره گیل‌گمش و گیاه زندگی است. مفهوم باروری الهه مادر جنبه دیگری غیر از کشاورزی دارد که همان ولادت است که در اشکال نمادین به صورت الهه آبستنی یا الهه مادر همراه با فرزندش نشان داده می‌شود. در دوره نوسنگی، به‌ویژه نماد الهه مادر همراه با فرزندش قوام بیشتری پیدا می‌کند و این تصویر نمادین گاه در کنار درخت زندگی تصویر می‌شود که تأکید بر حمایت این الهه از خانواده و کشت و زرع است (تصویر ۱). تغییرات فرهنگی در دوره‌های بعدی همچنان مهر الهه مادر بر خود دارد؛ سفالگری و بافندگی از این تغییرات مهم است که نماد الهه مادر آن را نمایندگی می‌کند. نخستین ظرف سفالی در کنار پیکره مونت در موربیت مربوط به ۱۰ هزار سال پیش است [۴۱، ص ۱۵۵]. به نظر می‌رسد اهلی‌سازی سگ در ارتباط با الهه مادر بوده است و این حیوان به‌منزله حافظی برای الهه مادر مورد توجه انسان قرار گرفته است و نخستین حیوانی است که اهلی می‌شود. در نقوش پیش از تاریخ نیز، سگ نگاهبان درخت زندگی است [۳۱، ص ۱۳۸]. همچنین، بافندگی و ریسندگی از الهه مادر است که در آثار باستانی این مفهوم به شکلی هنرمندانه ترسیم شده است. در واقع، یکی از القاب و موضوعات مربوط به ایزدبانوان ریسندگی و بافندگی است که بین بسیاری از اقوام باستانی به آن اشاره شده است [۲۶، ص ۳۸].

در مجموع، الهه مادر در دوران پیش از تاریخ نقش خاستگاهی دارد و منشأ همه‌چیز است و نمادپردازی گسترده آن همراه با عناصر ماه، ستاره، آب، درخت، گیاه، گاو، دانه، چرخه زمان، قوچ و بز کوهی، مار، پرنده، جام و... است (تصویر ۲) که طیف وسیعی از آثار هنری - آیینی را به همراه دارد. این آثار به صورت نقاشی، مجسمه و کنده‌کاری، اشیای گلی، استخوانی و در انواع نیایشگاه‌ها، سکونت‌گاه‌ها و معابد و قبور و در مکان‌های دیگر یافت شده است. از ویژگی‌های دیگر نمادپردازی الهه مادر ترکیب نقش آن با جانوران دیگر، نشان‌دادن آن بدون سر، با دو چشم، با بدنی خالکوبی‌شده و... است. همچنان که ژاک کوون به‌درستی اشاره کرده است،

1. Inana

نمادپردازی الهه مادر و مفاهیم بنیادی آن در اسطوره باغ عدن استمرار می‌یابد [۴۱، ص ۲۰۲] و این نمادها همچنان در بطن نظام‌های دینی بشر حیات دارند و مار و زن و درخت زندگی محور اصلی آن را تشکیل می‌دهد.



تصویر ۱. الهه مادر همراه با فرزندش، هزاره سوم و دوم پیش از میلاد. منبع: Baring, A. and J. Cashford, 1991, *The myth of the goddess: Evolution of an image*. Penguin UK.



تصویر ۲. نمادپردازی الهه مادر، هزاره اول و چهارم پیش از میلاد، منبع: Gimbutas Marija, 1974 *Gimbutas, M., 1974: The gods and goddesses of old Europe: 7000 to 3500 BC myths, legends and cult images*. Page: 113

ژاک کوون بر این اعتقاد است که «نظام نمادها به هیچ وجه زیرساخت اقتصادی ندارد، زیرا ساخت واقعی آن ریشه گرفته از یک ذهنیت اسطوره‌ای است. در آن زمان الهه مادر را نمی‌توان به عنوان نماد کشاورزی در نظر گرفت، زیرا هنوز کشاورزی ابداع نشده است و گاو هم حیوان مورد نظر و علاقه شکارچیان آن زمان نبوده و چند هزار سال بعد اهلی شده است» [۱۷، ص ۵۲]. در این صورت، سابقه نمادها به قبل از اهلی کردن حیوانات و ابداع کشاورزی مربوط می‌شود و این همان چیزی است که ژاک کوون برای اولین بار موفق به اثبات آن شد و نظریه‌های قدیمی را که معتقد بودند پیدایش نمادها زیرساخت‌های اقتصادی دارند کاملاً بی‌اعتبار نمود و معتقد است این انقلاب قبل از هر چیز حاصل یک جهش عمیق فرهنگی است. به نظر کوون، ابداع کشاورزی واقعی انکارناپذیر است که لازمه‌اش رسیدن به یک فرهنگ بارور و غنی است که چنین فرهنگی قبل از این دوره بایست ایجاد شده باشد. کوون معتقد است انقلاب نمادها در هزاره دهم پ.م. باعث شد یک رابطه جدید ارزشی بین انسان و محیط زیستش، این بار با هدف حفظ و تجدید منابع طبیعی، ایجاد شود و این رابطه جدید در شیوه زندگی او و شیوه‌های بهره‌برداری از محیط نیز تأثیر گذاشته است. به دیگر سخن، نمادها به منزله نیرویی محسوس در به وجود آوردن اقتصاد کشاورزی نقش اصلی را برعهده داشته‌اند [۱۷، ص ۱۶۴].

اهمیت الهه‌ها در کردستان

منطقه کردستان و زاگرس یکی از مراکز اصلی انقلاب نوسنگی است. گسترش پیکرک‌ها و نمادهای مربوط به الهه مادر از شاخص‌های این انقلاب است [۳۳، ص ۸۳]. باستان‌شناسان در تپه‌های باستانی تل‌ارپاچیه، یاریم تپه^۱، چاقار بازار^۲ و تپه گوره^۳ تعداد زیادی از پیکرک‌های الهه مادر را، که مربوط به هزاره ششم پیش از میلاد بود، کشف کردند [۴۱، ص ۱۲۱]. مهم‌ترین نمونه به دست آمده از پیکرک‌های الهه مادر مربوط به تپه سراب با قدمت حدود ۷ هزار سال پ.م. است (تصویر ۳). پرستش الهه‌ها و گسترش آیین‌های آن‌ها با گذشت زمان تنوع و پیچیدگی و رواج بیشتری یافت. آن‌ها بخشندگان روزی و برکت بودند و در کنار خدایان ایزدبانوان نقش بالاتر و غالب داشتند.

1. Yarim Tape
2. Chagar Bazar
3. Tepe Gawra



تصویر ۳. پیکرک مربوط به الههٔ مادر از تپهٔ سراب، منبع: نگارنده. موزهٔ ایران باستان

به نظر می‌رسد الهه‌های مادر فرمانروایان اصلی قلمرو خدایان تمدن ایلام بودند. آن‌ها به تدریج و ناخواسته جای خود را به خدایان مرد واگذار کردند [۱۸، ص ۵۱]. تقدس الههٔ مادر و مار شاخص فرهنگ ایلام به‌شمار می‌رود. آب نیز در آیین مهرپرستی قداست و کهنگی خاصی دارد؛ به طوری که بیشتر معابد مهری در کنار رودخانه‌ها ساخته شده‌اند و آن‌ها، به‌عنوان خدای آب‌های روان، مورد احترام قرار گرفته است. از آنجا که در مناطق کردنشین، یعنی در رشته‌کوه‌های زاگرس، آب و غارهای طبیعی - این دو عنصر رازگونه که ملزومات اساسی آیین مهرپرستی را تشکیل می‌داد - به‌وفور در دسترس بوده، شاهد رشد و گسترش این آیین هستیم و هنوز هم بسیاری از نشانه‌ها و بقایای این فرهنگ را می‌توان در فرهنگ مردم کُرد یافت. آثار معابد الهه‌هایی چون ایشتار و آن‌ها، هنوز در کردستان باقی است و یکی از القاب الههٔ ایشتار «بانوی اربیل» بود. مردم برای او نذر و نیایش می‌کردند.

خدایی که مردمان را آفریده است، پیشاپیش گله‌ها حرکت می‌کند و از آن‌ها حمایت می‌کند. او حافظ تمام زمین‌هاست و خدای غلات و گیاهان است [۳۹، ص ۵۷].

اردیسور آن‌ها، هم‌زاد الههٔ ایشتار و ایزدبانوی آب‌هاست که از ایزدان پیشازردستی و دارای معابد و پرستشگاه‌های متعدد، به‌ویژه در غرب ایران، بوده است. او الههٔ پیونددهندهٔ ازدواج، شفاگر، فزایندهٔ گله و رمه و ثروت است. از حیوانات مهم قربانی مخصوص او گوسفند، گاو و اسب است و تنها ایزدبانویی است که حتی اورمزد او را ستایش می‌کند و ستایش او باعث جاری‌شدن آب‌هاست [۶، ص ۷۷]. در فرهنگ ایرانی، آن‌ها، الهه‌های دارای زنان برازنده، پیونددهندهٔ ازدواج، که در زمان لازم به زنان حامله شیر می‌دهد، و الههٔ خانواده توصیف شده است [۶، ص ۱۳۵، ۲۳۷، ۴۴۱]؛ همچنان که در دوران نوسنگی ساخت خانه‌ها با تشکیل

خانواده هسته‌ای مشخص می‌شد [۳۵، ص ۴۲۶]. جایگاه زنان در کردستان همان جایگاه مهم خانه و خانواده را بین کردها نشان می‌دهد. نخستین بناها و معماری‌ها، نیایشگاه‌های مربوط به الهه مادر بودند [۳۴، ص ۲۴۶]. یک سنت دیرین در کردستان این است که با ساخته شدن هر خانه‌ای و قبل از وارد شدن به خانه، قوچ یا گاو را، که حیوانات منسوب به الهه مادرند، قربانی یا جمجمه بز کوهی را بر دیوار آن نصب کنند. قوچ به‌ویژه هنگام قربانی کردن با آرایش و زینتی شامل حنا، سرمه و پارچه معروف سه‌روین^۱، که نمادی از زنانگی است، قربانی می‌شود که یادآور ماهیت نمادین و زنانه آن است. در جام حسنلو، الهه مادر در کنار قوچ نقش شده است (تصویر ۴). مردم در زمان ورود به باغ یا خانه نو نیز کوزه‌ای را پر از آب می‌کردند و می‌شکستند که هم آب و هم کوزه نماد الهه مادر محسوب می‌شوند. در بین‌النهرین باستان نیز، ساخت و بنای خانه‌ها و به‌خصوص معابد با آیین‌ها و مراسم خاصی همراه بوده است.



تصویر ۴. جام حسنلو

معمولاً یک‌سری مراسم مذهبی و اعمال جادویی در رابطه با تقدیس بنا، تطهیر، وقف و حفاظت از شر نیروهای اهریمنی وجود داشت» [۴، ص ۸۴]. خانه و خانواده در اصل متعلق به الهه مادر است؛ از این‌رو، در اعتقاد مردم منطقه، کشتن یا آسیب‌رساندن به مار سیاه یا هرگونه ماری که با نماد الهه مادر ترکیب می‌شود همراه با ترس از عواقب بد آن است و باعث بر باد رفتن خانه و دودمان می‌شود و مار خانگی را فرشته (الهه) خانه می‌دانند. این الهه را حافظ سفره و برکت خانه و فرزندان و گهواره نوزادان می‌دانند و زمانی که ماری در کنار نوزادی ظاهر شود، آن را حامل خیر و برکت و سعادت نوزاد می‌دانند. معروف است که الهه مار (مادر) در گهواره کودکان می‌آید و نباید به آن آسیبی زد. گاهی بین مردم گفته می‌شود که فقط زنان خانه توانایی دیدن این مارها را دارند و هرگز به زنان آسیب نمی‌رسانند.

۱. sarwin پارچه‌ای با طرح و بافت بومی و قدیمی در کردستان که زنان کرد به‌عنوان سربند و روسری و... استفاده می‌کنند.

ولادت، که اساس خانواده است، با الهه مادر پیوند خورده است. زنان در هنگام زایمان با عناوین مختلف به الهه مادر متوسل می‌شوند. یکی از تغییرشکل‌های هویت الهه مادر در این زمینه جایگزینی شخصیت‌های زن در دین اسلام با شخصیت الهه مادر است. از آنجا که الهه مادر بخشنده روزی و ولادت و برکت است، داشتن فرزند دختر نیز معنایی مشابه را برای کردها دارد. آن‌ها اعتقاد دارند به دنیا آمدن فرزند دختر باعث ازدیاد محصولات خانواده و باز شدن درهای روزی برای آنان است. بخشیده شدن فرزندان از جانب الهه مادر معمولاً به شکل الهه مادر همراه با یک کودک تصویر می‌شود (تصویر ۱). اعتقاد دیگر آن است که با به دنیا آوردن هر کودک دری از درهای جهنم به روی زن بسته می‌شود. همچنین، گفته می‌شود خانه‌ای که در آن کودکان باشند، شیطان در آن وارد نمی‌شود. از آنجا که کودک در حقیقت پیشکشی از الهه مادر است، آداب و رسوم زیادی برای حفظ نوزاد و زائو از موجودات شرور انجام می‌شود؛ مثلاً، مردم از انواع سنگ‌های قیمتی، گیاهان، تعویذها و... استفاده می‌کنند و در هنگام تولد نوزاد به الهه مادر و با نمادهای مربوط به آن (تصویر نمادین الهه، گیاهان مربوط به او و...) توسل می‌جویند. این آیین‌های حفاظتی در مورد عروس هم انجام می‌گیرد که چهره ویژه الهه مادر را نشان می‌دهد.

در برخی از مناطق کردنشین، رسم بر این بوده است که عروس تا قبل از تمام شدن هفت روز نباید به کنار چشمه‌ها برود؛ چون اعتقاد داشتند این مکان‌ها جایگاه پریان است. برای عروس از انواع تعویذها استفاده می‌کردند و او را از اماکن عمومی دور نگاه می‌داشتند. عروس هرگز نباید روی خاکستر داغ آب می‌ریخت و در هنگام غروب در بیرون از خانه حضور می‌داشت. عروس بیش از هر چیز در فرهنگ کُرد به‌عنوان نمادی از زنانگی و ولادت است. بدین ترتیب، در روز عروسی اولین کاری که انجام می‌دادند این بود که کودکی را به‌طور نمادین در دامن او قرار می‌دادند تا ضامن باروری و زاینده‌گی او باشد. براساس رسمی کهن بین کردها تصویر یا تمثالی از الهه مادر- مار (تصویر ۵) را به‌عنوان بخشی از جهاز دختر به او هدیه می‌کنند. باید عروس آن را در میان اتاق خود نگاه‌داری کند. این تصویر نمادی از الهه مادر و ضامن عروس و باروری خانواده است و زنان برای خود تعویذهایی از پوست یا استخوان مار می‌سازند و به لباس خود تعبیه می‌کنند تا شیر آن‌ها برای نوزادانشان فزونی یابد. در منطقه سومای برادوست در ارومیه، کردها درختان منصوب به الهه مادر- مار را عامل پیوند و ازدواج می‌دانند و هر سال دختران و پسران با نیت ازدواج پارچه‌هایی را به این درختان گره می‌زنند. علاوه بر این، پیشکش کردن هدیه‌های مخصوصی به عروس بین کردها نشان‌دهنده این رابطه نزدیک بین عروس و الهه مادر است. هدایایی که ماهیت آن به الهه مادر و کشاورزی گره خورده است؛ مانند قوچ، گاو، اسب، انواع درختان و باغ و... . بعد از آنکه عروس به خانه شوهر رود، او را سه بار دور اجاق می‌گردانند که نمادی از کانون خانواده است و زن را حافظ آن می‌دانند.



تصویر ۵. صویر الهة مادر- مار در کردستان، منبع:

<https://www.pinterest.com/pin/484348134905200674/>. www.pasal.com



تصویر ۶. تصویر الهة مادر- مار در فالیچه‌های کردی

نمادهای مربوط به الهه مادر در کردستان

مار: مهم‌ترین نمود قدرت معنوی زن در کردستان پرستش الهه مادر است. امروز آثار پرستش الهه مادر در هنرهایی چون فرش‌ها و بافته‌های دیگر، اشعار و ضرب‌المثل‌ها و... وجود دارد. هویت الهه مادر از نظر نمادین بیش از هر چیز با الهه مار پیوند خورده است که در فرهنگ‌های باستانی این پیوند امری رایج است. ایزد مار یکی از جلوه‌های اصلی ایزدبانو است [۳۶، ص ۱۱۲]. نمی‌توان گفت هویت کدام‌یک از این دو متأثر از دیگری یا وابسته به آن است. آنچه مسلم است این است که تمایز خاصی بین این دو نیست. یگانگی درخور توجهی که بین هویت زن و الهه مادر در فرهنگ مردم کرد وجود دارد در تصویری کهن، که هنوز هم در برخی مناطق کردستان به‌عنوان تصویر الهه مار-مادر (شای ماران) مورد تقدس و احترام است، به‌خوبی مشخص است (تصویر ۵ و ۶). افسانه شای ماران (شاه مارها) افسانه‌ای کهن در میان کردهاست که تاکنون روایت‌های گوناگون، ولی تقریباً حول یک محور در این رابطه نقل شده است. این افسانه به‌ویژه در میان کردهای ایزدی و علوی جایگاهی ویژه دارد و نقش شاه ماران، که سری شبیه زن و دمی شبیه سر مار دارد، در بافته‌ها و نقوش قدیمی بسیار دیده می‌شود. همچنین، شامار به‌عنوان اسمی مردانه در مناطق گردنشین، مانند کرمانشاه و ایلام، استفاده می‌شده است و روستایی با همین نام در حوالی گیلانغرب وجود دارد. در بسیاری از مناطق ایلام و کرمانشاه، در اوایل فصل بهار، آشی نذری به نام «داکولانه شای ماران»^۱، جهت راضی نگاه داشتن شاه ماران و در امان ماندن از آسیب و گزند مارها و عقرب‌ها نذر کرده و در فرصت مناسب آن را ادا می‌کنند [۲۲، ص ۲۲۰].

کشاوری: در مراسمی که کردها در آغاز سال برگزار می‌کنند، نقش شدن پنجه ایزدبانو بر نان مقدس نشانی از فراوانی محصول سال آینده است. نصب داهول^۲ (عروسک باغها) در باغها و مزارع (که فضای آن قدسی است) نمادی از ایزدبانوی مزارع و کشاورزی است که جهت باروری و حفظ محصولات آن با انواع لباس‌های رنگی می‌آرایند. گاهی به جای داهول زوج دیگر الهه مادر، یعنی گاو، به‌عنوان حافظ باغها انتخاب می‌شد و مردم جمجمه گاو را روی چوبی قرار می‌دادند و به‌عنوان ضامن فزونی محصولات در باغها می‌گذاشتند. در بسیاری از موارد به داهول شاخ یا پوست مار را به‌عنوان تعویذ می‌بندند.

آب‌ها و چشمه‌ها: الهه مادر همیشه موکل آب‌ها و چشمه‌هاست که این ویژگی به‌خوبی در وجود الهه‌هایی چون ایشتار و آناهید، که کردستان از مراکز مهم پرستش آنها بوده است، دیده می‌شود. از دیرباز، آیین‌های طلب باران به زنان مرتبط است. در رسم «بووکه بارانه»^۳ گروهی از زنان و دختران باید با پوشیدن لباس‌های مختلف و خواندن اشعاری به کنار چشمه‌ها می‌رفتند

1. Dane kolanay shay maran

2. Dahol

3. booke barane

و طلب باران می‌کردند. آن‌ها برای این کار عروسکی صلیبی شکل درست می‌کردند و آن را لباس می‌پوشاندند و بعد به سمت چشمه‌ها راهی می‌شدند. این عروسک که در آیین طلب باران ساخته می‌شود، نمادی از الهه مادر است که در حین اجرای مراسم به وی متوسل می‌شدند [۲۰، ص ۳۳۰]. در کرمانشاه، گروهی از زنان به‌طور نمادین گاوی (سیاه) را می‌ربایند و مردم روستای دیگر آن را باز می‌ستانند [۱۹، ص ۱۱۳۶ و ۱۱۳۷]. گاو سیاه هم از حیوانات همراه الهه ایشتار و نمادی از اوست. بدین ترتیب، با فرارسیدن فصل بهار، که آب چشمه‌ها جاری می‌شود، کشاورزان و روستاییان کُرد در پای چشمه‌های پرآب گاوی قربانی می‌کنند. علاوه بر این، زمانی که آب چشمه‌ای خشک می‌شد، در بسیاری از مناطق ایلام گاوی را در کنار چشمه قربانی می‌کردند. بدین ترتیب که ابتدا هفت بار گاو را دور چشمه می‌گرداندند و بعد آن را قربانی می‌کردند [۲۰، ص ۵۰]. مراسم دیگری که برای طلب باران انجام می‌شود مربوط به الهه مار (مادر) است که در بعضی از مناطق کردنشین آن را دایک ماران^۱ دالگه ماران^۲ (مادر مارها) می‌نامند و هویت آن با الهه مادر به‌طور پیوسته در تعامل است. مردم با انجام دادن مراسم و ادای نذر به این موجود اسطوره‌ای در کنار چشمه‌ها طلب باران می‌کنند.

در افسانه‌های کهن کُردی، که به چشمه و آب‌های جاری اشاره می‌شود، به‌ویژه شاهد ترکیب نقش الهه مادر - مار هستیم؛ در سرچشمه باید برای اژدها گاو نر، دختر و نانی از غلات ببرند تا از آب چشمه بردارند [۱۰، ص ۲۵۳]. زن در چاهی می‌افتد که ماری در آن باشد [۱۲، ص ۲۵۳، ۳۷۶ و ۳۷۸]. یا الهه مارها به شکل زنی زیباست که در میان چشمه‌ها زندگی می‌کند. **عدد سه و مثلث:** «ایزدبانو به‌عنوان سرچشمه زندگی، به‌طور انتزاعی شکل مثلث را به وجود می‌آورد» [۳۱، ص ۲۳] (تصویر ۷). بین کردها عدد سه و مثلث اهمیت زیادی دارد و حتی جنبه تقدس داشته است. معمولاً تعویذها را در شکلی سه‌گوش یا سه‌تایی درست می‌کنند (تصویر ۸). در فرش‌های کُردی و صنایع دستی مردم کردستان شکل مثلث از نقوش اصلی و تعیین‌کننده به‌شمار می‌رود (تصویر ۹). در واقع، با تجزیه‌کردن هریک از نقش‌های مرکب به ساده‌ترین شکل هندسی، یعنی مثلث که فقط از سه خط که دو به دو همدیگر را قطع کرده‌اند تشکیل شده‌اند، می‌رسیم [۷، ص ۹۷-۹۸]. سه‌گانه و ارتباط آن با زنانگی یکی از ویژگی‌های لباس کردی زنانه است (تصویر ۱۰)؛ مانند لباس مردانه که به صورت نمادین سه گره در شال قرار داده می‌شود، بخش زیادی از زیورآلات و بخش‌های لباس زنان کُرد هم به صورت سه‌بخشی یا سه‌گوش است [۲۵، ص ۱۲، ۱۱۳، ۱۳۷، ۱۴۷، ۱۵۰، ۲۳۷، ۲۵۵، ۲۵۷]. از دیگر نمادهای مهم مربوط به الهه مادر شکل شانه‌مانندی است که در بافته‌های کُردی، به خصوص در سجاده‌ها، نقش برمی‌بندد (تصویر ۱۱). نقش کردن سجاده‌ها به شکل الهه مادر

1. dayke maran
2. dlage maran

بیش از پیش اهمیت و تقدس باستانی آن را در فرهنگ کردها نشان می‌دهد. جاجیم‌های نو و سجاده‌های پشمی کُردی از عناصر مهم جهیزیۀ دختران بودند که بیشتر جنبه نمادین و آیینی داشت.



تصویر ۷. انتزاعی الهه مادر در نمد، منبع: نگارنده



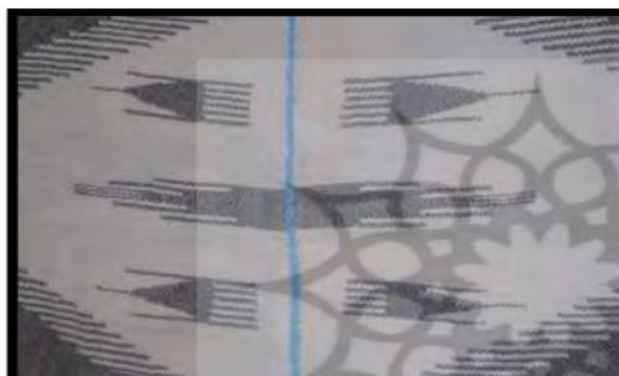
تصویر ۸. تعویذ آبی‌رنگ و در اشکال مربوط به الهه مادر



تصویر ۹. نقش الهه مادر در فرش کردی، منبع: نگارنده



تصویر ۱۰. نمونه‌ای از پوشش زنان به شکل مثلث منبع: نگارنده



تصویر ۱۱. نقش الهه مادر به شکل شانه‌مانند در سجاده‌های کردی. منبع: معروف پور نشمیل، ۱۳۹۲، برمال، سجاده سنتی کردی، فرهنگ مردم ایران، شماره ۳۵، زمستان ۹۲، صص: ۶۹-۵۳. ص: ۶۰

دامداری: نخستین الهه‌ها به اشکال مختلف با دامداری و رمه‌ها مرتبط بوده‌اند که آثار باستانی نشان‌دهنده این موضوع است (تصویر ۱۲). زنان گرد اولین مشک را در فصل بهار با نیت بخشش به الهه مار (مادر) نذر می‌کردند تا برکت آن افزوده شود. در میان گردهای کلهر، رسم است که با فرارسیدن اول بهار کردی، یکی از اعضای مال از ستون سیاه‌چادر بالا می‌رود و خطاب به «دالگ‌ئه ول وه هار کوردی»^۱ (مادر بانی بهار کردی) می‌گوید: «سه د هوار له ده س شیر بردن»^۲. شیر بردن بیماری است که باعث کم و درنهایت قطع شدن شیر گوسفندان و بزها می‌شود. مردم منطقه معتقدند که بعد از این عمل، بیماری شفا می‌یابد یا اینکه دیگر دام‌ها به این بیماری مبتلا نمی‌شوند [۲۲، ص ۲۱۰]. علاوه بر این، بین گردهای کلهر رسم بر این است که با آغاز فصل زمستان و همچنین بهار کردی بهترین غذا را، که همان آش و گوشت است، می‌پزند؛ حتی خانواده‌های فقیر در این زمان سعی می‌کنند به هر شیوه ممکن به تهیه مواد اولیه غذای مورد نظر اقدام کنند، زیرا اعتقاد بر این است که پختن بهترین غذا باعث دفع بلا و بیماری می‌شود و مقداری از باقی‌مانده غذای تهیه‌شده را در ظرفی می‌ریزند و در گوشه مال یا سیاه‌چادر قرار می‌دهند و به‌عنوان سهم «دالگ‌ئه ول زفسان»^۳ (مادر زمستان) و «دالگ‌ئه ول وه هار» (مادر بهار) اختصاص می‌دهند تا از مال مورد نظر راضی باشد و سال پیش رو بدون مرگ‌ومیر، بیماری، پر از خیر و برکت سپری شود. در باورها و اعتقاد اهالی منطقه، دالگ‌ئه ول زفسان و دالگ‌ئه ول وه هار موجودات مؤنث ماورائی به‌شمار می‌روند که نقش اساسی در فرایند زندگی و روند حوادث خیر و شر در فصول زمستان و بهار دارند و به همین دلیل با پختن بهترین غذا آن‌ها را راضی نگاه می‌دارند تا مایه خوشی و برکت و دفع بلا شوند [۲۲، ص ۲۱۲].

زن در مواردی مانند خود الهه مادر و منتقل‌کننده کارکردهای آن است. رسم مربوط به «ئه‌ول مه‌شکه»^۴ یکی از این موارد است. در اینجا اعتقاد بر آن است که برای آنکه مشک خانواده پربرکت شود، اولین بار باید به دست چند نفر از دختران خانه لمس شود و در مرحله اول آن‌ها به‌طور نمادین آن را تکان دهند. گاهی که مایه‌زنی شیر دام‌ها برای تهیه ماست، قبل از بستن، ماست تغییر شکل داده و در اصطلاح محلی گویند که شیر «ئه‌ل وریاگه»^۵ (یعنی شیر بریده شده است) و ماست نمی‌بندد. در چنین مواقعی، از زنی پارسا، که به اعتقاد آن‌ها دستش خیر و برکت دارد، دعوت می‌کنند تا او مایه انقصادی را به شیر بیفزاید [۲۲، ص ۲۱۵]. علاوه بر تصویر و تجسم موجودات مؤنث، گاه الهه مادر- مار نقشی برجسته پیدا می‌کند؛ اگر کسی مار

1. dalge aval wehar kordi
 2. sad hawar la des sheirn berden
 3. dlage aval vahre zfsan
 4. avl mashke
 5. alveryage

سیاهی (مار - الهه) را در اصطبل و در کنار گاوها ببیند، حق ندارد آن را بکشد، زیرا مردم بر این باورند که کشتن آن باعث کمبود لبنیات در خانه می‌شود [۱۴، ص ۱۳۸۵]. کشتن مار را موجب تلف شدن و از بین رفتن حیوانات می‌دانند.



تصویر ۱۲. نقش الهه مار در کنار بز متعلق به دوره پیش از تاریخ، منبع: ایران در شرق باستان، ارنست امیل هرتسفلد، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی کرمان: دانشگاه شهید باهنر کرمان، ۱۳۸۱

زن در ادبیات غنایی تداومی از الهه مادر

بخش زیادی از ادبیات کُردی در ارتباط با زن و عشق است. در ادبیات کُردی، زن به دو صورت کلی مورد ستایش و تکریم است: به‌عنوان معشوق و مادر. معمولاً در منطقه کرمانشاه مادر جایگزین معشوق است و سوگند به مادر، گیسوی مادر، شیر مادر و... جزئی از تعاملات خویشاوندی و ادبیات و گسترده این دیار است، اما در مناطق دیگر کردستان زن، به‌ویژه به‌عنوان معشوق، مورد ستایش است. سوگند به گیسوی زن و مادر یکی از سوگندهای مهم کُردهاست که در ادبیات و اشعار مردم انعکاس یافته است. ما در اینجا و سایر مثال‌ها و داده‌هایی که در این مطالعه آورده شده است پیوسته شاهد همنشینی و نقش مکمل فولکلور و اساطیر و موارد کهن هستیم. رابطه بین فولکلور و نظام فرهنگی و آیینی بسیار پیچیده و چندگانه است.

فولکلور اساساً از عناصر متعلق به سنن فراموش‌شده فراهم آمده و حالتی تغییر یافته از سنت‌های گذشته است که وسیله‌ای برای حفظ این سنت‌ها به‌شمار می‌رود [۳۷، ص ۳۲].

لوی استروس^۱ و پراپ^۲ بنیاد اسطوره‌ایی قصه‌های پریان (قصه‌های عامیانه) را نشان می‌دهند که بخش زیادی از فولکلور جوامع را تشکیل می‌دهد. به نظر آن‌ها این قصه‌ها و اساطیر از یک جنس‌اند و محتوای مشترک دارند [۵، ص ۹۱]. درباره ریشه‌داشتن فولکلور در اساطیر کهن آندرو لانگ می‌گوید ضرب‌المثل‌ها و افسانه‌ها بازمانده‌ای از دوران نوسنگی‌اند و با یک مضمون تداوم یافته‌اند [۳۸، ص ۷-۴].

به همین ترتیب، ادبیات غنایی و عاشقانه درباره زنان در شکل و محتوا در ستایش و نیایش الهه‌های باستان در این سرزمین ریشه دارد. به خصوص ادبیات غنایی گردی نیز این موضوع را به خوبی نشان می‌دهد. یکی از مثال‌های بارز در این زمینه تشبیهات و استعارات مکرر درباره زن و مار است. همچنان‌که گفته شد، نماد ایزدبانو همواره با نماد الهه مار جایگزین و ترکیب می‌شود و این پیوند نزدیک اسطوره‌ای و آیینی در ادبیات به گونه‌ای ظریف بازنمایی شده است:

به تاقی ئه‌بروی ره‌شی سیوه‌نگی به پیچی زولفی وه‌ک ماری جه‌نگی [۱۶، ص ۳۶۳].

be pechi zolfi wek mari janhi, be taghi ebreuy rashi sewang
معنی: طاق ابروی یار سیاه و زیباست و زلف او پیچان به‌مانند ماری جنگی است.

ئه‌ژده‌های زولفت طه‌لیسمیکه له سیحری بابلئ میهری ئاگر شوعله ده‌گری، ماهی تابان به‌ده [۲۹، ص ۱۳].

Ezhdehay zolfet telesmeke le sehri babeli, mehri ager shiale degree, mhi taban berdada.
معنی: ازدهای زلفت مانند طلسمی از جادوی بابل است که گرما و نور آتش و نور ماه از آن رونق می‌گیرد.

وه‌ک ماری بی‌ئجازی له دلی من ده‌گری گازی [۲۴، ص ۱۷۲].
Wek mari be ijazi, le deli men degree gaze.
معنی: مانند مار بی‌اجازه بر دل من نیش زند.

ئاره‌قی ده‌ستی ئه‌سمه‌ر بی ژه‌ری ئه‌ژده‌های جهوت سه‌ربی [۲۴، ص ۲۶۴].
Araghi dasti esmar be, zhari ezhdehay hawet sar be.
معنی: عرق دست یار و هر آنچه از دست او باشد شربت است، حتی اگر زهرمار باشد.

ویژگی مهمی که در ادبیات کُردی برای زنان ذکر می‌شود عبارت است از بی‌وفایی از یک طرف به‌عنوان معشوق و دانایی و سازنده‌بودن زن از طرف دیگر. در مثال‌های ذیل، نقش برجسته زن در خانواده نشان داده می‌شود:

ژن هه‌سانی پیاوه piyae hassani zhen

ژن فساق مرد است.

ژن کوله‌که‌ی ماله male kolakay zhen

زن ستون خانه است.

پیاو فه‌علایه ژن به‌ننایه. bannaye zhen faalaye Piyaw

مرد عمله است و زن بناست.

پیایوی بی ژن، آفتاوه‌ی بی بن ben be aftaway zhen, be piyaw

مرد بدون زن آفتابه بدون ته است.

محور قرار گرفتن زن در ادبیات کُردها در حقیقت نشانه جایگاه و احترام زن در این فرهنگ است. «بیت»^۱ یا منظومه‌های شفاهی و غنایی از غنی‌ترین و کهن‌ترین بخش ادبیات شفاهی در بین کُردهاست. یکی از انواع مهم منظومه‌های کُردی منظومه‌های غنایی و عاشقانه هستند که زن در مرکز این ادبیات قرار دارد. از مهم‌ترین این منظومه‌ها می‌توان به «خج و سیامند»، «لاس و خه زال» و «مهم و زین» و «شیرین و فرهاد» اشاره کرد. در این منظومه‌ها، زن، عشق و خانواده به زیبایی توصیف و ستایش می‌شود؛ مثلاً، در منظومه خج و سیامند این‌گونه پایان می‌گیرد: «... زنده و استوار باد رسم و آیین کرمانجی در مورد خواستگاری و شوهر دادن دختران به دلخواه... و این رسمی است بسیار پسندیده و ارجمند که از نیاکان برای ما به یادگار مانده است» [۳، ص ۱۳۷۴].

از مضمون‌های خاص ادبیات کُردی توصیفات مربوط به بناها و معماری‌های مجللی است که برای معشوق ساخته می‌شود. این توصیفات به توصیفات مربوط به الهه‌های باستان بسیار شبیه است که محتوای آیینی و دینی آن در قالب فولکلور و ادبیات می‌نشیند. یکی از ابیات اصیل و زیبا در منظومه مهم و زین آمده است. مهم برای معشوق خود زین خانه‌ای بنا می‌کند که خشت‌های آن از طلا و نقره است و تا هفت سال آن را تمام می‌کند. در این منظومه، چندین بار از این خانه به طور مفصل سخن گفته شده است که جوی‌هایی از جنس مرمر دارد و آب‌های زلال در باغ‌های سرسبز این عمارت روان است و تمام بنا را گوهرها و سنگ‌های قیمتی، که غواصان از دریا آورده‌اند، تشکیل شده است [۱، ص ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۵۲، ۱۵۳]. در منظومه شیرین

و فرهاد نیز، که هنوز بین مردم بر سر زبان‌هاست، معروف است که فرهاد برای شیرین در کوه بیستون چنین عمارتی را ساخت و از سنگ خارا آب‌های جاری روان کرد. در اینجا نیز معشوق و الهه در واقع یک نقش واحد دارند و این ریشه داشتن در اساطیر و ادیان، رمز ماندگاری این شاهکارها را نشان می‌دهد و در مجموع این ادبیات غنایی جایگاه ویژه‌ای را برای زن و زنانگی در این فرهنگ رقم می‌زند.

جایگاه زن در جامعه کرد

در گذشته، جایگاه اجتماعی زنان بیشتر با جایگاه فرهنگی و معنوی آن‌ها تطبیق داشت. وجود زنان درمانگر در کردستان امری رایج بوده است که گاهی به آن‌ها لقب «شیخ» می‌دادند. کردها اعتقاد دارند دختران شوهرنکرده توانایی رسوخ و دست‌یابی به عوالم ماورائی را دارند. این موضوع در فرهنگ‌های دیگر نیز دیده می‌شود. «آلمانی‌های باستان معتقد بودند چیزی مقدس در زنان هست و از این رو به‌عنوان غیب‌گو به آنان رجوع می‌کردند.» از دوران باستان، نمونه‌هایی از رسم زن مکانی در کردستان وجود داشت که براساس آن مطابق با موقعیت مادی و ثروت خانواده دختر، داماد پس از ازدواج میان خانواده همسر خانه و زندگی خود را بنا می‌کرد. بقایای این رسم هنوز در میان بعضی از روستاییان کُرد باقی است که اعتبار و اهمیت زنان در آن مشهود است. تک‌همسری در امر ازدواج یکی از موارد حرمت زن در خانواده و فرهنگ کردهاست. در ادیان کهن کُردی از جمله آیین‌های «یارستان» و «ایزدی» نیز بر تک‌همسری و تک‌زنی تأکید شده است. گرچه این ادیان دارای نظامی از سلسله‌مراتب خاص مردان هستند، در آن‌ها بیش از ادیان جدید برای زن و طبیعت احترام و جایگاه قائل شده است. جایگاه زن در این ادیان جایگاهی ویژه است؛ پیروان یارستان «بر پایه آیین خود زن را فرشته می‌دانند و بر این باورند که خداوند تاکنون در هفت دوره خود را در قالب بشری نمایانده است که در هر دوره هفت فرشته با او بوده است که یکی از آن فرشتگان زن بوده است» [۱۵، ص ۳۶۰]. در دین ایزدی، سرور بهشت و شفاعت‌کننده مردمان در جهان زنی (ایزدبانویی) به نام بانوی محشر است. او کسی است که کلید درهای بهشت در دستان اوست و نخستین کسی است که به بهشت وارد می‌شود [۳۰، ص ۸۹-۹۰]. متون مقدس آن‌ها درباره اسطوره آفرینش نیز جایگاه برتر و خاستگاهی زن را نشان می‌دهد. در این متون و روایات، آغاز جهان از یک مروارید است و خلقت از آن مروارید که در داخل اقیانوس بود شکل گرفت [۴۰، ص ۲۶]. مروارید نمادی از زنانگی و یادآور سنگ‌های مقدسی است که به ایزدبانوان تعلق دارد [۱۳، ص ۲۲۸].

زنانه‌بودن ساختارهای فرهنگی کردها از دیگر قلمروهایی است که چهره‌والای زن در آن انعکاس یافته است. کردها از معدود مردمانی هستند که در میان آن‌ها چند صد نوع رقص

شناخته شده است. در همه فرهنگ‌های نخستین رقص شیوه‌ای از ارتباط با الهه مادر است [۳۱، ص ۱۴۷]. جایگاه زن در رقص و هه‌لپه‌رکی^۱ کوردی، که از ویژگی‌های مهم فرهنگ کُرد است، جایگاهی برابر با مرد دارد. از دیدگاه مردم‌شناختی، رقص بیشتر در فرهنگ‌هایی رایج است که زنانه باشد و ارج و مقام زن در آن تعریف شده باشد؛ چون رقص در نیایش‌ها، به‌ویژه نیایش الهه مادر، ریشه دارد [۲، ص ۳۱۸-۳۳۱] و در افسانه‌های کُردی رقص با زن تعریف می‌شود. علاوه بر این، بسیاری از سراینده‌گان آوازا و منظومه‌های کُردی، به‌ویژه در منطقه مکریان، زنان بودند که در اصطلاح به آنان ده‌نگ بیژ^۲ (خوش صدا و خواننده) می‌گفتند. آن‌ها مجالس را برای مردم می‌آراستند و از ارزش و اعتبار اجتماعی خاصی برخوردار بودند [۸، ص ۲۲-۳۱]. نه‌تنها زنان سراینده بودند، بلکه «می‌توان گفت بخشی از ادبیات مردمی منطقه مکریان، از جمله بیت و حکایات و ضرب‌المثل‌ها که جنسیت سراینده‌گان آن معلوم نیست، تولید زنان می‌باشد» [۸، ص ۳۶].

مقام زن کُرد از دیدگاه مستشرقان و سیاحانی که در کردستان بوده‌اند مورد توجه بوده است. تقریباً همه آن‌ها به جایگاه مهم زن بین کُردها اشاره کرده‌اند. واسیلی نیکتین، مستشرق معروف، در کتاب خود بخشی را به جایگاه زنان بین کُردها اختصاص داده است و از شخصیت اجتماعی زنان کُرد، ازدواج دلخواه، قدرت سیاسی اجتماعی و اهمیت و ارج و مقام آنان در خانواده یاد می‌کند و می‌نویسد:

با اینکه ساختار خانواده کُرد بر مبنای اصل پدرسالاری است، بعضی از آداب و رسوم بازمانده از دوران مادرشاهی در میان کُردها معمول بوده و هنوز باقی است [۲۷، ص ۲۳۸].

بسیاری از مسائل سیاسی قبایل و طایفه‌های کُردها را زنان برعهده داشتند یا آنکه نقش عمده‌ای در اداره امور طایفه داشتند. در مناطق ویژه‌ای از کردستان، حکمرانی زنان در واقع امری رایج بود و در منابع تاریخی عثمانی‌ها به این موضوع به‌صراحت اشاره شده است [۲۸، ص ۱۳۸۴]. مینورسکی نیز به جایگاه زن بین کُردها می‌پردازد و می‌نویسد که زن بین کُردها ارزش والاتری در جامعه نسبت به دیگر کشورهای همسایه و مسلمان آن‌ها دارد [۲۳، ص ۷۵]. در گذشته، زنان در جنگ‌های خونین پادرمیانی می‌کردند و سران قبایل برای زنان احترام خاصی قائل بودند. حتی در زمان جنگ و درگیری زنان آزادانه در میان ایلات و طوایف رفت و آمد می‌کردند. به نظر می‌رسد رسم «خون‌بس»^۳ نیز به‌نوعی نشانه‌ای از احترام و صلحی است که زنان برای طوایف به ارمغان می‌آوردند. شرکت در جنگ‌ها و امور اجتماعی

1. Hlparke
2. Dnagbezh
3. Khounbas

و عشیره‌های بخشی از آزادی اجتماعی و نفوذ زنان گرد بوده است. زنان معمولاً دارای اسب و مادریان مخصوص خود بودند و بخشی از دارایی‌های ایل و عشیره (زمین و باغ‌ها، قوچ و...) و اختیارات آن به زنان اختصاص داشت. اسبسواری و شعر و آواز از هنرهای یک زن گرد بوده است.

نتیجه گیری

نماد الهه مادر همچنان در جامعه کردستان حیات دارد: هنرها، آیین‌ها و سایر عناصر کهن فرهنگی مانند رقص پیوندی عمیقی با پرستش الهه مادر دارد. از ویژگی مهم این نماد فرهنگی چندوجهی و چندمعنایی بودن آن است که آن را در مرکز هنر آیینی و نمادین پیش از تاریخ و بعد از آن قرار می‌دهد و زنجیره‌ای از نمادها و مفاهیم به صورت نظام‌مند و پیچیده در این زمینه شکل می‌گیرد. جایگاه مرکزی و مسلم الهه مادر در میان کهن‌ترین و رمزآلودترین هنرها و آثار، وجود نظام یکتاپرستی مبتنی بر تقدس این الهه را تداعی می‌کند. اگر در دوره‌های بعدی مفاهیمی چون جنگ، قدرت، سلسله‌مراتب پدید می‌آید، در نظام دینی و نمادین تحت سیطره الهه مادر همزیستی، پرورش، زندگی، کشاورزی، خانواده، طبیعت و مفاهیمی از این قبیل تعیین‌کننده است.

همچنان که ژاک کوون نخستین بار ایده تقدم نظام نمادین بر تغییرات فرهنگی و اجتماعی را مطرح کرد، می‌توان گفت نماد الهه مادر بانی وجود نظام کشاورزی وسیع، نخستین معماری‌ها و سفالگری و سایر پدیده‌های مهم فرهنگی و آیین‌های سترگ در منطقه کردستان بوده است. اهمیت بیش از پیش این نماد و نمادهای وابسته به آن رابطه‌ای مستقیم و تعیین‌کننده با طلوع و گسترش نخستین پدیده‌های فرهنگی در آن دارد.

شیوه نمایش نمادین الهه مادر در حوزه هنرهای تجسمی و شفاهی از قواعد خاصی پیروی می‌کند. ترکیبی بودن این نماد در هنرهای شفاهی معمولاً به صورت تبدیل شدن الهه به موجود دیگر یا برعکس بیان می‌شود. حال آنکه همین ترکیبی بودن در هنرها و آثار مادری به صورت موجودی ترکیبی نیمه‌زن - نیمه‌مار و به صورت‌های دیگر پدیدار می‌شود. بنابراین، از دیدگاه نشانه‌شناختی چنین مواردی را نه به منزله تشخیص‌های اسطوره‌ای، بلکه همچون ساختار ترکیبی نظام‌مند باید در نظر گرفت. از این رو، بسیاری از موجودات اسطوره‌ای از جمله ایشتار آناهید، که با ویژگی‌های مختلف توصیف شده‌اند، به هیچ‌وجه تشخیص بخشی به این الهه‌ها نیست.

تغییر از نظام مدرسالار به نظام‌های جایگزین مهم‌ترین تحولی است که به الهه مادر و سرنوشت آن وابسته است و جایگاه این الهه را متزلزل می‌کند. در دوران باستان، تا هزاران سال قدرت معنوی در دست زنان است و فرهنگ و آیینی که وابسته به زن و الهه مادر است جامعه و

مسائل اجتماعی را هدایت می‌کند. به تدریج که جامعه و ساختارهای اجتماعی در مقابل ساختارهای فرهنگی قرار می‌گیرد و آن را به سلطه خود درمی‌آورد، زن به حاشیه رانده می‌شود [۳۱، ص ۱۶۷-۱۷۷]. طرد شدن موجودات قدسی پیشین با ظهور ادیان و نظام‌های دینی جدید در طول تاریخ امری رایج بوده است. از جمله ژرژ دومزیل نشان داده است که چگونه ایزدان پیش از زردشت در دین زردشت به دیو تبدیل شده‌اند و این شیوه‌ای برای طرد این موجودات است. در این زمینه، در ادیان متأخرتر، مانند دین زردشت، زن و نیز نمادهای مربوط به آن از جمله مار، سگ و... چهره منفی و اهریمنی پیدا می‌کنند. همچنین، در طول تاریخ معمولاً نام زنان را نام جادو مرتبط بوده است.

اما این تحولات بیشتر در لایه‌های سطحی مؤثر بوده است. دگرگونی همیشه به‌طور کامل صورت نمی‌گیرد و ریشه‌های تقدس موجودات پیشین همیشه در نظام فرهنگی تداوم دارد و فقط در موارد و جنبه‌های مشهود و سطحی است که جنبه منفی به خود می‌گیرد و استمرار هم‌زمان این دو فرایند تقریباً متضاد درباره این نمادها موجب شکل‌گیری تصویری دوگانه و متضاد هویت و چهره دوگانه (مثبت-منفی) از آن‌هاست. این دوگانگی درباره جایگاه الهه مادر و زن و زنانگی- که در فرهنگ باستانی منطبق و متناظر با یکدیگرند- به‌طور خاص در دو بستر متفاوت جامعه و فرهنگ قرار می‌گیرد؛ درحالی‌که زن در زیرساخت‌های فرهنگی و در خانواده معمولاً ارزش و جایگاه خود را حفظ کرده است، در میان ساختارهای اجتماعی و متون دینی به‌شدت طرد می‌شود. همچنین، درحالی‌که مردم امروز بر دین و آیینی متفاوت هستند، تقدس الهه مادر در عمیق‌ترین و زیرین‌ترین لایه‌های سطحی فرهنگ و هنر جامعه، که از ناخودآگاه قومی منبعث می‌شود، حکمفرماست.

مطلب پایانی به ماهیت جامعه کهن و ارتباط آن با قدرت معنوی و زنانه به جای قدرت سیاسی و مردانه باز می‌گردد. به نظر انسان‌شناسان، در جوامع نخستین قدرت و حکومت امری تعریف‌نشده بود و در سطحی حداقل پراکنده و منعطف بود. در این جوامع، سنت‌ها و نظام‌های خویشاوندی [احتمالاً مبتنی بر مادرسالاری و مادرتباری] نقشی عمده و تعیین‌کننده داشتند [۱۱، ص ۱۳۸۲]. تا پیش‌نوسنگی و شکل‌گیری نظام‌های اجتماعی و مادی، جوامع بیشتر خودتنظیم بودند و به دور از جنگ و کشمکش و سلسله‌مراتب قدرت بودند. این مطلب بیش از پیش تأییدکننده داده‌های این گفتار و جایگاه و مقام الهه مادر و سیر تحول نمادین آن است.

منابع

- [۱] ئوسکارمان (۲۰۰۶). *تحفه مظفریه، پیشه‌کی و ساخکردنه‌وه هیمن موکریانی، هه‌ولیر، ئاراس*.
- [۲] الیاده، میرچیا (۱۳۷۲). *رساله‌ای در تاریخ ادیان، ترجمه جلال ستاری، تهران: سروش*.
- [۳] ایوبیان، عبیداله (۱۳۷۴). *چریکه خه‌ج و سیامند، تهران: فرجام*.
- [۴] بلک، جرمی، آنتونی گرین (۱۳۸۵). *فرهنگ‌نامه خدایان، دیوان و نمادهای بین‌النهرین باستان، ترجمه پیمان متین، تهران: امیرکبیر*.
- [۵] پراپ، ولادیمیر (۱۳۸۶). *ریخت‌شناسی قصه‌های پریان، ترجمه فریدون بدره‌ایی، تهران: توس*.
- [۶] پورداود، ابراهیم (۱۳۸۶). *یشت‌ها (جلد اول)، تهران: اساطیر*.
- [۷] جزمی محمد، علی‌اصغر؛ شریف‌زاده و دیگران (۱۳۶۳). *هنرهای بومی در صنایع دستی باختران، مرکز مردم‌شناسی وزارت فرهنگ و آموزش عالی*.
- [۸] فریزر، جرج (۱۳۸۳). *شاخه زرین، ترجمه کاظم فیروزمند، تهران: آگاه*.
- [۸] حه‌سه‌ن پوور ئه‌میر، مقدمه در، *ئه‌ده‌بیاتی زارکی موکریان (به‌شی ژنان)*، سه‌لاح پایانی، مهاباد: مولف، ص ۷-۵۰.
- [۹] دادور، ابوالقاسم (۱۳۸۹). «موقعیت اجتماعی و فرهنگی زن در تمدن ایلام»، *زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)*، دوره اول، ش ۴، ص ۹۵-۱۱۴.
- [۱۰] رودنکو، مارگاریتا. م (۱۳۹۰). *افسانه‌های کردی، ترجمه کریم کشاورز، تهران: جامی*.
- [۱۱] ریوبر، کلود (۱۳۸۲). *انسان‌شناسی سیاسی، ترجمه ناصر فکوهی، تهران: نی*.
- [۱۲] سسیل، آردیشانه و سیسیل سسیله (۱۳۸۶). *افسانه‌های کردان، ترجمه امیرحسین اکبری شالچی، تهران: نشر ثالث*.
- [۱۳] شوالیه ژان، آلن گبران (۱۳۸۷). *فرهنگ نمادها، ج ۵، ترجمه سودابه فضایی، تهران: جیحون*.
- [۱۴] صفریان، کامل (۱۳۸۴). *یادداشت‌هایی پیرامون مهرپرستی در کردستان، سنندج: پرتویان*.
- [۱۵] صفی‌زاده، صدیق (۱۳۷۸). *تاریخ کرد و کردستان، تهران: آتیه*.
- [۱۶] قانع (۱۳۸۵). *دیوانی قانع، تهران: پانید*.
- [۱۷] کوون، ژاک (۱۹۹۴). «تولد الوهیت، تولد کشاورزی، انقلاب نمادها در دوره نوسنگی»، *ترجمه جلال‌الدین رفیع‌فر، نامه انسان‌شناسی، دوره اول، ش ۲، ص ۱۷۹-۱۸۶*.
- [۱۸] مجیدزاده، یوسف (۱۳۷۱). *تاریخ تمدن ایلام، تهران: نشر دانشگاهی*.

- [۱۹] معمار، فریدون (۱۳۶۲). «آیین طلب باران در غرب ایران (باختران، کردستان، توپسرکان)»، چیستا، ش ۲۰، ص ۱۱۳۵-۱۱۴۱.
- [۲۰] منصوری مقدم، منصور و دیگران (۱۳۹۶). *طرح مردم‌شناسی هورامان کردستان*، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کردستان.
- [۲۱] منصوری مقدم، منصور (۱۳۹۷). *افسانه‌ها، داستان و متل‌های کردی*، تهران: جامعه‌شناسان.
- [۲۲] منصوری مقدم، منصور (۱۳۸۹). «مطالعه مردم‌شناختی عشایر استان ایلام»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- [۲۳] مینورسکی، ویلادیمیر فئودروویچ (۱۳۷۹). *گرد، ترجمه حبیب‌الله تابانی*، تهران: گستره.
- [۲۴] ناله‌شکینه، سه‌رجه‌می گورانیه‌کانی حه‌سه‌ن زیره‌ک (۱۳۸۱). *کوکردنه‌وه قادری نه‌سه‌دی‌نیا*، سنه، ده‌زگای روشنبیری گوران.
- [۲۵] نورانی، له‌یلا و پایانیانی سه‌لاح (۱۳۹۳). *فهره‌ه‌نگی جل و به‌رگ و خشل و خالی ژنانی موکریان*، تهران: ناشر.
- [۲۶] نوغانی، سمیه (۱۳۹۱). «بررسی نشانه‌های تصویری زن ریسنده متعلق به دوران ایلام جدید»، فصل‌نامه نگره، ش ۲۳، پاییز، ص ۳۱-۴۳.
- [۲۷] نیکتین، واسیلی (۱۳۷۷). *کرد و کردستان*، ترجمه محمد قاضی، تهران: کانون انتشاراتی درایت.
- [۲۸] وان برونسن، مارتین (۱۳۸۴). «زنان در مقام رهبران سیاسی در تاریخ کرد»، ترجمه حمزه محمدی، زریبار، س ۹، بهار و تابستان، ش ۵۶ و ۵۷.
- [۲۹] وه‌فایی (۱۳۸۰). *دیوانی وه‌فایی، لیکولینه‌وه موحه‌مه‌د عه‌لی قه‌ره‌داغی*، سنندج: کردستان.
- [30] Asatrian, G., (2002). The Holy Brotherhood: The Yezidi Religious Institution of the "Brother" and the "Sister" of the "Next World". *Iran & the Caucasus*, p. 79-96.
- [31] Baring, A. and J. Cashford, (1991). *The myth of the goddess: Evolution of an image*. Penguin UK.
- [32] Braidwood, L.S. (1983). *Prehistoric archeology along the Zagros flanks*. Vol. 105. Oriental Inst Pubns Sales.
- [33] Braidwood, L.S., *Prehistoric archeology along the Zagros flanks*. Vol. 105. 1983: Oriental Inst Pubns Sales.
- [34] Cauvin, J. and T. Watkins (2002). *The Birth of the Gods and the Origins of Agriculture*: Cambridge University Press.- Bois, T. and M. Welland, 1966: *The Kurds*. Khayats.
- [35] Flannery, K.V. (2002). *The origins of the village revisited: from nuclear to extended households*. *American antiquity*, PP 417-433.
- [36] Gimbutas, M., (1974). *The gods and goddesses of old Europe: 7000 to 3500 BC myths, legends and cult images*. Vol. 4. Univ of California Press.

- [37] Guenon, R., *Fundamental symbols: The universal language of sacred science*. 1995: International Specialized Book Services.
- [38] Lang Andrew, (2011). *Custom and Myth*, Echo Library.
- [39] Langdon, S., (1914). *Tammuz and Ishtar: A Monograph Upon Babylonian Religion and -Theology, Containing Extensive Extracts from the Tammuz Liturgies and All of the Arbela Oracles*. Clarendon Press.
- [40] Kreyenbroek, P.G. and K. Jindī (2005). *God and Sheikh Adi are perfect: sacred poems and religious narratives from the Yezidi tradition*. Vol. 9. Otto Harrassowitz Verlag.
- [41] Oates, Joan. (1978). Religion and ritual in sixthmillennium BC Mesopotamia." *World archaeology* 10.2: PP 117-124.